بسم الله الرحمن الرحیم. درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری 26 فروردین 1397.

خب عرض کنم خدمت شما بحث در مورد شبهه غیر محصوره بود. در مورد شبهه غیر محصوره شهید صدر فرمودند در دو مرحله باید بحث شود. یکی در مرحله این که آیا با توجه به ادله اصول این علم اجمالی از تنجیز می افتد یا از تنجیز نمی افتد. یک بحث این است که منهای ادله اصول ترخیصیه آیا ذاتا این علم اجمالی از اثر می افتد یا خیر. در مرحله اول ایشان فرمودند که محذوری که در علم اجمالی در شبهه محصوره هست باعث می شود که اصول جاری نشود محذور عقلی نیست. محذور عقلایی است و آن ارتکاز مناقضه بین حکم الزامی واقعی و حکم ترخیصی است. و این ارتکاز مناقضه در موارد شبهه غیر محصوره وجود ندارد. این چکیده فرمایش ایشان است. که ما عرض می کردیم که این طور نیست که ارتکاز مناقضه به طور کلی وجود نداشته باشد. ارتکاز مناقضه نسبت به مرحله مخالفت قطعیه وجود دارد. آن است که ارتکاز مناقضه وجود ندارد این که به خاطر یک علم اجمالی تمام اطراف کثیر لازم المراعات باشد همان تعبیری که روایت ابو الجارود بنابر این که ناظر به علم اجمالی باشد آن را مستنکر دانسته است.أ من اجل مکان واحد یجعل فیه المیته حرّم فی جمیع الارضین بنابر این که مربوط به علم اجمالی باشد می خاهد بگوید که خب یک جا حرام است به خاطر این یک جا اطراف زیاد را که نمی شود انسان بگوید که همه اش حرام است. خب حالا این بحثی بود که قبلا کردیم. این بحث در فضای فرمایشات مرحوم آقای صدر هست. ما به یک فضای بحثی که خود ما دنبال می کردیم به این سبک نبود حالا می خواهم بحث را در فضای بحث خودمان دنبال کنیم که یک مقداری روح مطلب خیلی تفاوت ندارد ولی به هر حال از جهت شیوه بیان یک تفاوت هایی احساس می شود. ما عرض می کردیم که اصل این که در علم اجمالی آیا آیا اصل عملی جاری می شود یا نمی شود تابع این است که آن حکم واقعی فعلی باشد یا نباشد. ا گر حکم واقعی فعلی باشد در علم اجمالی اصل جاری نمی شود کما این که در شبهه بدوی هم اصل جاری نمی شود و در واقع در شبهات بدویه علت این که اصل جاری می شود آن این است که ما از ادله اصول ترخیصیه کشف می کنیم که آن حکم واقعی نسبت به ظرف شک فعلیت ندارد. اگر ما یک همچین چیزی را در موارد علم اجمالی هم بتوانیم احراز کنیم که حکم واقعی نسبت به موارد شک مقرون به علم اجمالی هم فعلیت ندارد اجرای اصل مانعی ندارد. مشکل مشکل اثباتی است. ولی می گفتیم اگر ادله اصول ذاتا هم موارد علم اجمالی را بگیرد، به قرینه روایت های خاصه ای که داریم که در موارد علم اجمالی تنجیز ایجاد کرده است ما نمی توانیم بگوییم ادله اصول اطراف علم اجمالی را شامل می شود. این چکیده یک سری مراحلی از بحث هایی که سابق مطرح می کردیم. خب در این فضا اگر بحث را دنبال کنیم به نظر می رسد که حالا این را هم قبلا عرض کنم که آن این است که ما

در موارد علم اجمالی این که شارع بخواهد حالا در شبهات محصوره شارع بخواهد در جمیع اطراف اصل جاری کند این مخالف یک ارتکاز عقلایی است. حالا تعبیر آقای صدر این بود که ارتکاز مناقضه وجود دارد من این طوری تعبیر نمی کنم. می خواهم عرض کنم که حکم واقعی به نظر عقلا درجه ای از اهمیت را دارد که در این موارد به فعلیت می رسد و شارع نمی تواند با ترخیص خودش آن مصلحت و ملاکات واقعیه ای که ملاکات الزامیه واقعی را تفویط کند. تفویط ملاکات الزامیه واقعیه با ترخیص در جمیع اطراف خلاف ارتکاز عقلایی است با ترخیص در بعضی از اطراف آن خلاف ارتکاز عقلایی نیست. شبیه شبهه بدویه است. اجرای اصل در بعضی اطراف در شبهه محصوره یعنی شبهه مقرون به علم اجمالی با شبهه بدویه خیلی تفاوت عقلایی ندارد. حالا اثباتا دلیل داریم یا خیر یک حرف دیگر است. و الا ذاتا همچنان که در موارد شبهه بدویه ای که مثلا پنجاه درصد احتمال حرمت می دهیم شارع می تواند ترخیص دهد این که در یک طرف علم اجمالی که پنجاه درصد احتمال می دهیم حرام باشد شارع می تواند ترخیص دهد از جهت عقلایی مشکل خاصی ندارد. حالا دلیل اثباتی داریم یا خیر یک بحث دیگر است. امکان ترخیص از جهت ارتکاز عقلایی هست. ما حالا دلیل اثباتی بر ترخیص را باید دنبال کرد.

سؤال:

پاسخ: حالا به هر نحو حالا تعیینی اشکالی ندارد یک طرفش را بگوید که شما چیز کنید

نه حالا آن بحث ترجیح بلا مرجح و اینها بحث اثباتی است

نه تعیین کنیم به خاطر مصلحت ترخیصیه این طرف را تعیین کرده است. ترجیح بلا مرجح یک بحث دیگر است. آن مانع اثباتی دارد. بله این مشکل اثباتی دارد که خب وقتی عقلا درک نمی کنند که یک نکته ای بین این دوو تا است این را ترجیح بلا مرجّح می بینند یعنی احساسشان این است که بین اینها فرقی نیست و ترجیح بلا مرجّح می بینند.

نه در واقع اشکال اثباتی است عمدتا نه اشکال ثبوتی. حالا اسم ترجیح بلا مرجح برا بگذارید ثبوتی خیلی در واقع چون اقعش ترجیح بلا مرجح واقعی نیست. ترجیح بلا مرجحی است که عقلا درک نمی کنند که فرق بین اینها چیست. این است که به اثباتی بر می گردد. و الا ممکن است ثبوتا بین اینها فرق وجود داشته باشد. عقلا همچین

سؤال:

پاسخ: یعنی فرق نمی گذارند ذاتا هیچ تفاوتی نمی بینند ولی ممکن است از جهت ادله اثباتی تفاوت دا شته باشد در شبهه بدویه ادله اثباتی ترخیصیه بگیرد آن را و شبهه مقرون به علم اجمالی را ادله اثباتیه نگیرد. آن یک بحث دیگر است. در امکان ترخیص و عدم امکان ترخیص فرقی نیست در دلیل اثباتی تفاوتی ممکن است باشد. این چکیده مطالبی که تا حالا عرض کردم.

اینجا نکته ای وجود دارد ما در واقع می گفتیم که ادله ای داریم که از آن استفاده می شود که در موارد علم اجمالی یعنی اطلاقش ادله ترخیصیه می گفتیم اگر ما بودیم ادله ترخیصیه اطراف علم اجمالی را هم مثلا شامل می شد. ولی به دلیل مثلا حالا یا ارتکازی که وجود دارد که نمی شود همه اطراف را بگیرد و گرفتن بعضی اطراف دون بعض ترجیح بلا مرجح است موارد علم اجمالی را شامل نمی شود یا به این بیان ادله ترخیصیه را نسبت به شبهه محصوره خارج می کردیم یا به این بیان که نه یک روایت های خاصه ای داریم که این روایت های خاصه حکم به تنجیز علم اجمالی در شبهه محصوره کرده است آن قرینه است بر این که ادله ترخیصیه اطراف علم اجمالی را نمی گیرد. خب بحث سر این است که هیچ یک از این دو بیان نسبت به موارد شبهه غیر محصوره نمی آید. ما در شبهه غیر محصوره مانعی ندارد اصل جاری کنیم. نه چون در شبهه غیر محصوره اولا آن ادله ای که تنجیز علم اجمالی را ثابت کرده است شبهه محصوره بوده است. خب به قرینه آن که نمی توانید شما بگوییدکه رایت هایی که گفته است که ادله ترخیصیه شبهه غیر محصوره را نمی گیرد. نه حتی ما این را می گفتیم که بعینه و امثال اینها که راویات دارد در واقع ناظر به این است که شبهه غیر محصوره را میخواهد خارج کند. به شبهه محصوره کاری ندارد. خب پس بنابراین از یک طرف ادله تنجیز علم اجمالی روایت خاصه ای که تنجیز علم اجمالی را به دنبال می آورد، آن شبهه غیر محصوره را شامل نمی شود بنابراین از این جهت مانعی ندارد که ادله ترخیصیه شبهه غیر محصوره را بگیرد. اما بحث ارتکاز. به نظر می رسد حالا این یک قدری دقت کنید ارتکاز این است که شارع مقدس با ترخیص خودش آن مصلحت واقعیه را تفویط کند قطعا تفویط کند یعنی تفویط قطعی کند، آن عقلا آن را نمی پذیرند. ولی در مورد شبهه غیر محصوره این نکته وجود ندارد که ترخیص شارع منشأ تفویط قطعی بشود. چون یک نکته ای وجود دارد شبهه غیر محصوره. شبهه غیر محصوره ولو جمیع اطرافش در محل ابتلا داخل باشند ولی مجموع اطرافش داعی بر اتیانش نیست. متعارفا. یک بحث سر این است که فرض کنید که شبهه غیر محصوره

من این بحث را قبلا هم اشاره کردیم که فرض کنید آن مثال جبن که در روایات ما هست همه پنیرهایی که در این شهر هستند هر یک از این پنیرها را دست بگذاریم ممکن است من بروم از آن مغازه پنیر بگیرم. این جور نیست که مغازه هایی که ردر شهر هست از محل ابتلای من خارج باشند به نحوی که شارع مقدس اگر به من بگوید که از فلان مغازه پنیر نخر قبیح باشد خارج محل ابتلا ملاکش این است. چیزی که اصلا انگیزه داعی عقلایی نسبت به ارتکابش وجود ندارد به گونه ای که اگر شارع نهی از اتیان آن مورد بکند عرفا قبیح است. عرفا قبیح نیست چون همه فرض کنید بگویید که مغازه ای که آنجا هست مال بهایی ها است از آن خرید نگنید. استغرابی ندارد چون امکان دارد. ولی به ما بگویند که از مغازه ای که در لندن وجود دارد خرید نکنید این مال بهایی ها است.

این به نحو تقیید باید بگویند. می گویند اگر لندن رفتی از آن مغازه خرید نکن. به نحو مطلق

یعنی داخل در محل ابتلا با شرط بیاورند آن را و بعد چیز کنند به نحو مطلق بگویند که شما الآن از آن مغازه خرید نکنید قبیح است. این خب ملاک شبهه خارج از محل ابتلا است. این ملاک در مورد شبهه غیر محصوره در خیلی از مواردی که هست اطراف زیاد است در تک تک موارد نهی از ارتکاب آن شبهه مانعی ندارد. به نحو مطلق نهی شود. ولی با وجودی که تک تک موارد را که دست میگذاریم نهی از آنها قبیح نیست بنابراین در محل ابتلا است مجموع من حیث المجموع آن داعی بر ارتکابش نیست و در محل ابتلای من داخل نمی شود. در نتیجه نتیجه این می شود اگر شارع به من اجازه بدهد در تمام موارد بگوید که شما این را می توانید مرتکب شوید این را می توانید مرتکب شوید این به مخالفت قطعیه نمی انجامد نوعا چون من هیچ وقت نمی توانم همه را مرتکب شوم. یعنی این جور نیست که مجرد ترخیص شارع در سلسله علل تحقق خارجی معصیت واقع شود. نه بنابراین هیچ مانعی هم ندارد شارع مقدس تک تک مواردش هم اجازه می دهد. چون این تک تک موارد به مخالفت خارجیه نمی انجامد. مخالفت عملیه خارجیه. در عالم فرض است که ممکن است مثلا ما یک فرضی در نظر بگیریم که این شخص اگر همه اینها را به اصطلاح مرتکب شود حکمش چیست. و الا خارجا این چیز نمی شود. بنابراین به نظر می رسد که مانعی ندارد که شارع مقدس در تک تک موارد هم اجازه بدهد. آن ارتکازی که عرض کردم این است که شارع مقدس نباید با ترخیص خودش کاری کند که تفویط مصالح واقعیه صورت گیرد. تفویط قطعی مصالح واقعیه.

این طور که نمی شود. تفویط احتمالی هست ولی آن در همه موارد اصول عملیه وجود دارد. ولو اسما ترخیص در مخالفت قطعیه است ولی واقعا مخالفت قطعیه با این ترخیص محقق نمی شود. چون داعی و انگیزه خارجی برای انجام جمیع اطراف وجود ندارد. و این باعث می شودکه ترخیص شارع در سلسله علل تفویط مصلحت الزامیه واقعیه قرار نگیرد. آن که عقلائا محذور دارد این که شارع مقدس تفویط کند مصلحت واقعیه ای که دارد به نحو قطعی. این تحقق خارجی پیدا نمی کند

سؤال:

پاسخ: به تدریجی و ان چیزهایش نیستم.

حالا آن تدریجیات یک بحث دیگر است که آن یک مرحله دیگری است که اساس جایی که تدریجی باشد ولو تفویط هم باشد خلاف ارتکاز عقلایی نیست.

بله آنها هم نمی آید. در بعضی از مواردش می آید. مواردی که فرض کنید عرض کنم دو مورد معمولی حالاتدریج داریم تا تدریج. یک تدریج این است که من یقین دارم که یک چیزی که الآن اول عمر است یکی اخر عمر بله اینها نمی آید. معمول موارد تدریجیات که ما داریم به نحو شبهه غیر محصوره تدریجی است. مثلا شبهه محصوره تدریجی تقریبا به تحقق خارجی

یا نه بعضی مواردش هم دارد خانم می داند که اول ماه حیض می بیند یا آخر ماه. تدریجی در زمان محدود شا ید اطلاق ادله بگوییم می گیرد. آن را بعدا بحث می کنیم. جنبه تدریجی یک حیث دیگر است که باید مستقلا روی آن بحث شود.

سؤال:

پاسخ: حالا آنها یک مراحل دیگر است که در موردش

ادله ترخیص نسبت به شبهه غیر محصوره اطلاق دارند و مانعی ندارد

نه نه نسبت به مخالفت قطعیه اش هم می خواهم بگویم که اطلاق دارد. ولی اطلاق دارند به این معنا چون خارجیت پیدا نمی کند.

سؤال:

پاسخ: اطلاقات ادله اولیه که خب می گیرد. ادله اولیه می گوید که نجس است دیگر آن که کاری ندارد.

بحث حیثی و اینها نیست

نه آن لازمه اش موافقت قطعیه است دیگر. وقتی شارع مقدس گفته است که شما از خمر اجتناب کنید.

آن چیزی که مخالفت ارتکاز دارد ارتکاز این است شارع مقدس نباید با ترخیص خودش تفویط کند مصلحت واقعی را. در شبهه محصوره همین جور است. در شبهه محصوره با ترخیص خودش تفویط می کند مصلحت واقعیه را. معنای شبهه غیر محصوره یعنی این. شبهه ای که داعی عقلایی برای اتیان جمیع اطراف نیست. بحث قدرت نیست ها آخه یک بیانی مرحوم نائینی دارد ایشان می گوید که در شبهات غیر محصوره قدرت بر چیز جمیع اطراف نیست.

آن خب مورد بحث قرار گرفته است آیا این قدرت نبودن صغرویّا هست یا نیست کبرویا ملاک هست چه وجهی دارد آن من وارد فضای بحث مرحوم نائینی نمی خواهم بشوم و بحث هایی که قبلا اشاره کردیم. بحث من این است که در جایی که ترخیص شارع منشأ نشود برای این که تفویط قطعی واقع تحقق بگیرد به دلیل نبودن انگیزه عقلایی داعی عقلایی تحقق ندارد نسبت به جمیع اطراف این ادله اصول اجرایش نسبت به جمیع اطراف مشکلی ندارد.

سؤال:

پاسخ: نه خلاف ارتکاز نیست عرض کنم خدمت شما آن به خاطر تعارض اصول می گفتیم

نه دو مرحله بحث است. یک مرحله بحث این است که وقتی زیاد شد اصلا ذاتا تنجیز می کند یا خیر. آن مرحله دوم بحث است. مرحله دوم را می رسیم و در موردش صحبت می کنیم. بحث سر این است که اگر ذاتا علم اجمالی در اینجا تنجیز کرد ما می خواهیم با ادله اصول از این تنجیزی که علم اجمالی دارد رفع ید کنیم. ما می گوییم در موارد شبهه محصوره بین اصول تعارض ایجاد می شود در شبهه محصوره به خاطر آن ادله خاصه ای که تنجیز در علم اجمالی را در شبهه محصوره آورده است باید ادله اصول ترخیصیه را ناظر به شبهه محصوره نگیریم این دو بیان در شبهه غیر محصوره نمی آید. این محصل عرض ما این است.

سؤال:

پاسخ: نه روح قضیه در واقع این است که حالا آن را من قبلا هم اشاره کردم که واقع قضیه این است که این که ما می گویید شارع می گوید به شما این اجازه دادم این را اجازه دادم این را اجازه دادم اجازه های مشروط است. یعنی نمی گوید این را به تو اجازه می دهم ولو همه اطراف دیگر را انجام بدهی. چون داعی ندارد. یعنی اطلاق دلیل نسبت به ترخیصی که به مخالفت قطعیه می انجامد اصلا اطلاق ندارد. روح قضیه به اینجا بر می گردد که در واقع ترخیص در مخالفت قطعیه هم نیست.

خب این این مرحله بحث. اما برویم روی مرحله دوم بحث که حالا ذاتا آیا علم اجمالی اینجا تنجیز می کند یعنی کثرت اطراف آیا سبب می شود که این علم اجمالی از تنجیز بیفتد یا نیفتد. این بحث عمده قضیه یک نکته ای است که در کلمات آقایان مفصل مورد کلام قرار گرفته است آن این است که می گویند وقتی کثرت اطراف ایجاد شد کثرت اطراف باعث می شود که شما روی هر طرف که دست می گذارید اطمینان داریدکه معلوم بالاجمال در آن طرف نیست. و این اطمینان حجت عقلایی است. این بیانی است که وجود دارد خب در کلمات آقایان مختلف این بحث وجود دارد. آقای صدر هم مفصل این جاها را بحث کرده اند. من می خواهم یک مقداری چکیده فرمایشات آقایان را مطرح کنم وارد تفصیلات بحث نشوم عرض می کنم که منابعی که در این بحث نکته دارد یکی حاشیه درر مرحوم حاج شیخ است که آقای اراکی دارند و همچنین اصول فقه آقای اراکی که مستقل چاپ شده است که احتمال زیاد می دهم که اینها حرف های خود مرحوم حاج شیخ است که در درس مطرح کرده اند و آقای اراکی نوشته اند. یکی از شواهدش هم این است که همین حرف ها را مرحوم حاج آقا مرتضی حائری هم در چیز دارند من حرف های آقای داماد را این بحث شبهه غیر محصوره اش در چیز آقای طاهری چیز خاصی ندارد در مورد شبهه غیر محصوره. ولی احتمال می دهم که آقای داماد هم این بحث ها را مطرح کرده باشد که خیلی شبیه هست بسیاری از حرف هایی که در حاشیه درر آمده است و در اصول فقه آقای اراکی با مطالب حاج آقا مرتضی حائری و خیلی از حرف های آقای صدر. روح مطالب یکی است که آقای صدر البته یک مقداری باز تر کرده است بحث را به صورت مرتب تر بحث را و الا اصل حرف ها همان است. یک نکته ای حالا در پرانتز این را عرض کنم آن این است که یک بار مطرح بود که یک سری از حرف های مرحوم آقای صدر در فرمایشات آقای داماد وارد شده است و اینها. حالا آیا اینها از باب تبارد خاطر بوده است یا این که چون تقریرات آقای داماد در اختیار آقای صدر بوده است. آقا سید مصطفی محقق از ایشان نقل شده است می گفت من رفتم نجف آقای صدر به من فرمودند که من شاگرد با واسطه پدر شما هستم و می گفتند که آقا موسی اینجا حرف های پدر شما را نقل می کرد و من استفاده می کردم. این جور نقل می کردند که من شاگرد با واسطه

البته این البته بحث ما در تقریرات آقای طاهری نیست. ممکن است مثلا در بحث هایی که بهرحال آقای آقا موسی مطرح می کرده است این حرف ها در آن باشد. علی أیّ تقدیر خیلی شبیه است جوهره مطالب شبیه است و حالا بعد عرض می کنم. این است که من چکیده فرمایشاتی که در کلمات آقایان وارد شده است را مطرح می کنم خیلی وارد ریزه کاری ها و آن چارچوب بندی ای که مرحوم آقای صدر به خصوص مطرح می کنند خیلی نمی شوم. و اگر آقایان می خواهند این مصادری که عرض کردم مراجعه کنند چیز هست

بعضی از اینها یک تفاوت های ریزه کاری دارد بعضی در این ریزه کاری ها ان قلت و قلت هایی داریم که وارد جزئیاتش نمی شوم که بخواهم نقل کنم یا احیانا نقد کنم. خب بحث اصلی این است که یک اشکالی در این بحث این که اطمینان به عدم انطباق معلوم بالاجمال بر هر طرف یک اشکالی وجود دارد که مرحوم آقای حاج شیخ هم در درر به آن اشاره کرده ند آن اشکال این است که این معقول نیست که در هر طرفی اطمینان به عدم باشد. چون اطمینان به عدم لازمه اش در تک تک موارد اطمینان به عدم به سالبه کلیه است. از یک طرف ما اطمینان به سالبه کلیه دا شته باشیم از یک طرف علم اجمالی به موجبه جزئیه داشته باشیم. اطمینان به سالبه کلیه با علم اجمالی با موجبه جزئیه با هم سازگار نیست. چطوری می شود این دو را جمع کرد؟ پاسخ این مطلب را با این تعبیر کرده ند گفته اند اینجا اطمینان اطمینان بدلی است. این اطمینان آقای صدر می گوید که اطمینان بدلی معقول نیست و امثال اینها آنها که اطمینان بدلی گفته اند توضیح داده اند اطمینان بدلی را. اطمینان بدلی را همان مطلبی را که خود اقای صدر هم دنبال می کند در واقع همان است. چیزی غیر از آن نیست. اینها گفته اند که یک موقعی فرض کنید که من اگر اطمینان به این که معلوم بالاجمال در طرف الف نیست اطلاق داشته باشد می گوید این معلوم بالاجمال ولو در سایر موارد نباشد در الف نیست. به طور مطلق چه در سایر جاها باشد چه نباشد در الف نیست. اگر یک همچین چیزی باشد علم اجمالی به اطمینان به عدم انطباق در تک تک موارد به اطمینان به مجموع می انجامد. اطمینان به نفی الوصف در هر موردی در صورتی اطمینان به مجموع می آورد که به نحو مطلق باشد. اما این جا این که ما می گوییم اطمینان داریم در هر مورد نیست به این معنا است که اطمینان داریم که در اینجا نیست و در دیگر موارد است. اطمینان به این که آن معلوم بالاجمال اینجا نیست در سایر موارد است. اگر هزار مورد اطراف علم اجمالی است هر مورد را که دست می گذاریم در واقع اطمینان داریم که معلوم بالاجمال در این یک مورد نیست در 999 مورد دیگر است. به این نحو اطمینان داریم. این اطمینانی که ما در هر مورد می گوییم در 999 مورد دیگر است. به اطمینان این که در کل هزار مورد آن معلوم بالاجمال وجود ندارد نمی انجامد تا مناقضه باشد. که این را خب آقای صدر مفصل توضیح دادند و خوب هم توضیح دادند که اصل مطلبش را می گویم در کلمات آقایان دیگر هست ولی تفسیرش در کلام آقای صدر هست. این یک بحث که بنابراین هیچ مشکلی ندارد که ما اطمینان به عدم انطباق معلوم بالاجمال در تمام موارد اطراف شبهه غیر محصوره داشته باشیم. بحث بعدی این است که آیا این اطمینان حجت هست یا نیست؟ خب مرحوم آقای حائری در حاشیه مطرح می کنند که مشکل مشکل اطمینان

آقای حائری که می گویم حاج آقا مرتضی مردم هست. مرحوم حاج آقا مرتضی حائری در مبانی الاحکام مطرح کرده اند که مشکل این است که این اطمینان که ما داریم معارض هستند. ما درست است در هر موردی که دست می گذاریم اطمینان داریم که در سایر موارد است. آن مورد هم دست می گذاریم اطمینان داریم در سایر موارد است. ما در واقع هزار تا اطمینان داریم. اطمینان داریم که در کل مجموعه منهای اول. اطمینان داریم در کل مجموعه منهای دوم. اطمینان داریم در کل مجموعه منهای دوم. اطمینان داریم در کل مجموعه منهای سوم. هزار تا مجموعه 999 تایی تصویر می شود که این هزار تا مجموعه نسبت به همه این هزار تا اطمینان به عدم داریم. و این هزار اطمینان به عدم معارض هستند بنابراین نمی توانندن حجت باشند. این مرحله را مرحوم آقای صدر مفصل وارد بحث شده اند که این بحث ها تازگی دارد اینجا در کلمات آقایان دیگر این تکه هایش نیست این تکه هایش جدید است ایشان می خواهند بگویند که نه این هزار موردی که اینجا وجود دارد هزار تا اطمینان با هم دیگر معارض نیستند به بیانات متفاوت در سه مرحله به قول خودشان در سه مستوی سعی کرده اند که این را جواب دهند. من حالا سعی می کنم ورای آن مستویاتی که مرحوم آقای صدر بحث را دنبال کرده اند به گونه دیگری پاسخ دهم که روحش با مطلب آقای صدر هم یکی است ولی نحوه بیان یک مقداری متفاوت است. ببینیم اصل این که ما اطمینان داریم که معلوم بالاجمال در این مورد منطبق نیست این که می خواهیم بگوییم این اطمینان حجت است یعنی چه؟ پاسخ مطلب این است که اصلا علم اجمالی تک تک اطراف را بنفسه تنجیز نکرده اند این جور نیست که علم اجمالی این یک مورد را تنجیز کند این یک مورد را تنجیز کند. علم اجمالی خود متعلقش را تنجیز می کند ما برای اتیان متعلق مجبوریم تک تک موارد را بیاوریم. ولی یک نکته ای وجود دارد آن این است که اطمینان هم چنانکه در مرحله ثبوت تکلیف نفیا و اثباتا اثر دارد در مرحله سقوط تکلیف و امتثال هم اطمینان به امتثال کفایت می کند. ببینید توضیح و ذلک این که من وقتی اطمینان دارم که این شیء حرام است ذاتا. خب این تنجیز می کند یعنی باید اینها انسان از آن مرتکب نشود. اطمینان دارد که این حرام نیست. یعنی می تواند مرتکب شود. جایی که اطمینان به وجود تکلیف یا اطمینان به عدم تکلیف تعلق گیرد. خب در علم اجمالی بحث ما این نیست. چون ما خود طرف را مستقیما نمی خواهیم تنجیز کنیم. ولی بحث سر این است که وقتی من یقین دارم علم اجمالی اینجا وجود دارد اگر آن 999 مورد را ارتکاب نکنم اطمینان دارم که تکلیف را امتثال کردم. هر یک از این 999 تا را من ارتکاب نکنم یعنی هزار تا 999 تایی داریم هر یک از این مجموعه ها را من مرتکب نشوم اطمینان دارم که آن تکلیف امتثال شده است. و این کفایت هم می کند. اینجا تعارضی هم ندارد. چون در واقع من یکی از این 999 تا را بیشتر چیز نمی کنم. یعنی خارجا این که من آن واجب واقعی را امتثال می کنم با یکی از آن 999 تا که آن 999 تا که من با آن امثتالم را محقق می کنم هزار شکل ممکن است داشته باشد. و با هر یک از آن 999 تا من امتثال را محقق کنم محقق پیدا کرده است. تعارضی ندارد. یعنی نتیجه بحث این است که من یکی را اگر ارتکاب کنم اشکالی ندارد. همه افراد را ترک کنم یک مورد را ارتکاب کنم با انجام یک مورد و ترک سایر موارد اطمینان به امتثال زائل نمی شود. مانعی ندارد ما یک مورد را انجام دهیم سایر موارد را ترک کنیم و اطمینان به امتثال هم هست.

و ما این را می خواهیم اثبات کنیم بیش از این هم نمی خواهیم اثبات کنیم. یعنی این مقدار را ما می خواهیم در علم اجمالی اثبات کنیم که وجوب موافقت قطعیه ندارد. ما حرمت مخالفت قطعیه را نمی خوواهیم زمین بزنیم. ما می خواهیم این مقدار اثبات کنیم که وجوب موافقت قطعیه ندرد شما می توانید هر مورد از اینها را که دست بگذارید آن را مرتکب شوید. اگر این باشد هیچ مشکلی ندارد.

سؤال:

پاسخ: اطمینان کافی است. اطمینان به چیز کافی است. یعنی در مقام امتثال لازم نیست که یقین به امتثال باشد. اطمینان به امتثال کافی است. بحث این است

سؤال:

پاسخ: نه آن خیلی فرق ندارد.

نه منافات ندارد. در مورد هر

نه نه هزار تا 999 تا داریم. تمام 999 تا ها اطمینان دارم که در انها نیست. هیچ منافات ندارد. یعنی ما هزار تا 999 تایی داریم که نسبت به این که هر یک از این 999 تایی را به طور کامل ترک کنم اطمینان به امتثال برای من حاصل می شود.

نه هیچ چیزی ندارد مشکلی ندارد. این چکیده بحث. آقای صدر هم این مطلب را دارد می گوید در واقع اطمینان به امتثال حاصل می شود. نتیجه این بحث این است که اگر شما و این را هم در آن بحث متعرض می شود حالا دیگر وقت گذشته است

نه ادله تکلیف که می گیرد بحث سر این است ما از آن مرحله اول گذشته ایم. بحث ما این است نه اطلاق ادله می گیرد آن را نکته ای ندارد که اطلاق ادله نگیرد. کثرت اطراف مانع این نیست که اطلاق نگیرد آن را. آن چیز واقعی آن که هست کثرت اطراف منشأ می شود که ما در مقام امتثال یک توسعه ای بتوانیم پیدا کنیم. در مقام امتثال نه در مقام ثبوت تکلیف. در مقام سقوط تکلیف. این چکیده عرض ما است که می گویم در فرمایشات آقای صدر هم روحش به همین مطلب بر می گردد و نتیجه گیری هم که می خواهد بکند همین است. در کلاس راهنما هم اشاره می کردم که این دو مرحله را از هم تفکیک کنید مرحله ثبوت تکلیف یا سقوط تکلیف آقای صدر شروع بحث را که می خواهد بکند آدم احساس می کند که دارد مرحله ثبوت تکلیف را می گوید ولی بحث را کم کم که جلو می برد و نتیجه گیری اش کاملا روشن است که می خواهد بگوید که نتیجه این اطمینان این است که اطمینان به امتثال با اجتناب از جمیع اطراف الا یک مورد این کافی است.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد